

فصل ۱

موضوعات اساسی روانشناسی رشد

رشد انسان، حوزه مطالعاتی است که به آگاهی یافتن از ثبات و تغییر در طول عمر اختصاص یافته است. همه پژوهشگران رشد یک هدف مشترک دارند: مشخص کردن عواملی که بر ثبات و تغییرات در افراد از لقاح تا مرگ تاثیر می‌گذارند.

نظریه، یک رشته اظهارات منسجم و منظم است که رفتار را توصیف می‌کند، توضیح می‌دهد و پیش‌بینی می‌کند. نظریه‌ها به دو دلیل ابزار مهمی هستند: (۱) چارچوب منظمی برای مشاهدات ما تأمین می‌کنند، آنچه را می‌بینیم هدایت کرده و به آن معنی می‌دهند؛ (۲) نظریه‌هایی که توسط پژوهش تایید شده‌اند، مبنای دقیقی برای اقدام عملی در اختیار می‌گذارند.

چهار دسته نظریه رشد از لحاظ ترتیب تاریخی و سردمداران آن‌ها عبارتند از: (۱) نظریه‌های روان‌پویشی (فروید) (۲) نظریه‌های رفتاری-نگر (واتسون) (۳) نظریه‌های نمویافتگی (گزل) (۴) نظریه‌های سازشی (پیاژه)

در شرایط کنونی می‌توان چند نظریه را از هم متمایز کرد^۱:

- نظریه‌های مبتنی بر نمویافتگی مبتنی بر اهرم درونی.
- نظریه‌هایی که تحول را بعنوان امر طبیعی ناشی از میزان یادگیری بر اثر تجربه محیطی می‌دانند و مراحلی مشخص نمی‌کنند.
- نظریه اخبار یا پردازش اطلاعات که مبتنی بر پردازش داده‌ها یا تعیین آن‌ها از طرف آزمودنی است.
- نظریه‌های روان‌پویشی که بر اساس آن‌ها انسان در منظومه‌ای از تعارض‌ها به شخصیت خود شکل می‌دهد و مراحل تحول را طی می‌کند.
- نظریه‌های بافتاری، فرهنگی-اجتماعی و بوم‌شناختی که بر اساس آن‌ها فرد در استقرار نوع محیط و تغییرات آن نقش اساسی دارد.
- نظریه رفتارشناسی طبیعی که در آن تعامل کودک با محیط مبتنی بر تجهیزات زیست‌شناختی است.
- نظریه بناسدنی‌نگری، یا درون‌سازی بر اساس پیچیدگی فزاینده شناخت و ظرفیت‌های عملیاتی، که در آن انسان در تعامل با محیط ساخت‌های تحول را بنا می‌کند.



۱ - اگر اصطلاحات برایتان آشنا نیست نگران نشوید، در فصول بعدی به طور مفصل با هر نظریه آشنا خواهید شد ☺

در زیر به تعریف مفهوم تحول در هر نظریه اشاره شده است:

- **نمویافتگی:** تحقق تدریجی ظرفیت‌های بالقوه ارثی
- **رفتاری‌نگری:** اکتساب فزاینده مجموعه‌ای از پاسخ‌ها
- **پردازش خبر:** اکتساب ساخت‌ها و راهبردهای ذهنی موثرتر
- **روانپویشی:** شکل‌گیری شخصیت در میدانی از تعارض‌ها
- **بافتاری:** تحکیم الگوهایی که ناشی از تعامل فرد و فرهنگ است
- **رفتارشناسی طبیعی:** رفتار سازشی زیست‌شناختی بافتاری
- **بناشدنی‌نگری پیاژه:** رفتار سازشی شناختی بناشدنی / مراتب پی در پی تعادل

موضوعات اساسی رشد

با این‌که نظریه‌های رشد متعددی وجود دارند اما می‌توانیم آن‌ها را سازماندهی کنیم، زیرا همه آن‌ها در رابطه با چند موضوع اساسی رشد موضع می‌گیرند. همه نظریات رشد تلاش می‌کنند به هفت سوال اساسی پاسخ دهند:

۱) رشد پیوسته است یا ناپیوسته؟

رشد پیوسته: فرآیند افزوده شدن تدریجی مهارت‌های یکسانی که از آغاز وجود داشته‌اند.

در رشد پیوسته، بین کودک و بزرگسال تفاوت کمی وجود دارد؛ یعنی آن‌ها به شکل یکسان به دنیا پاسخ می‌دهند و فرق آن‌ها فقط در مقدار یا پیچیدگی رفتار است.

رشد ناپیوسته: فرآیند پدیدار شدن روش‌های تازه و متفاوت درک کردن دنیا و پاسخ به آن در زمان‌های خاص

در رشد ناپیوسته، بین کودک و بزرگسال تفاوت کیفی وجود دارد؛ یعنی کودکان شیوه‌های تفکر، احساس و رفتار منحصربه‌فردی دارند.

نظریه‌هایی که دیدگاه ناپیوسته را قبول دارند، رشد را به صورت **مراحل** در نظر می‌گیرند. مرحله یعنی تغییر کیفی در تفکر، احساس و رفتار که دوره‌های خاص رشد را مشخص می‌کند.

در رشد ناپیوسته فرض بر این است که تغییر به جای این‌که تدریجی باشد، نسبتاً ناگهانی است و فرد با ورود به مرحله بعدی، دوره سریع تغییر را می‌گذراند.

۲) یک روند رشد برای همه انسان‌ها وجود دارد یا چند روند؟

یک دوره رشد: نظریه‌پردازان مرحله‌ای فرض می‌کنند که افراد در همه جا زنجیره رشد یکسانی را طی می‌کنند.

چند دوره رشد: ترکیبات منحصربه‌فرد شرایط شخصی و محیطی می‌توانند به مسیرهای تغییر متفاوتی منجر شوند.

نظریه‌پردازان امروزی موقعیت‌هایی را در نظر می‌گیرند که رشد را به صورت چندلایه و پیچیده شکل می‌دهند (ترکیبی از عوامل زیستی، محیطی و اجتماعی)



۳) عوامل ژنتیکی مهم‌تر هستند یا محیطی؟ (طبیعت یا تربیت؟)

منظور از طبیعت، استعدادهای فطری زیستی و منظور از تربیت، نیروهای پیچیده دنیای مادی و اجتماعی است که بر ساخت زیستی و تجربیات روانشناسی ما قبل و بعد از تولد تاثیر می‌گذارند.

موضع نظریه‌ها درباره طبیعت و تربیت بر دیدگاه آن‌ها درباره توجیه تفاوت‌های فردی تاثیر می‌گذارد. کسانی که به ثبات تفاوت‌های فردی تاکید دارند، معمولاً بر اهمیت وراثت تاکید دارند. اگر آن‌ها محیط را مهم بدانند معمولاً معتقدند که تجربیات اولیه الگوی دایمی رفتار را تعیین می‌کند. کسانی که به انعطاف‌پذیری تاکید دارند، معتقدند اگر تجربیات بعدی از تغییر حمایت کنند، امکان تغییر وجود دارد.

۴) زمینه‌های مختلف رشد مستقل هستند یا تعامل می‌کنند؟

آیا مولفه‌های مختلف (شناختی، عاطفی، اجتماعی و غیره) بر هم تاثیر دارند یا تعاملی ندارند؟

۵) کودک در جریان رشد فعال است یا منفعل؟

آیا کودک فقط پذیرنده محیط و سایر عوامل است یا در بنا کردن سازمان روانی خود نقش فعال دارد؟

۶) ریشه تفاوت‌های فردی چیست؟

تفاوت‌های فردی از چه چیزی ناشی می‌شود و آیا این تفاوت با عاملی مستقل از خواست فرد در ارتباط است؟

۷) بافت اجتماعی فرهنگی چقدر اهمیت دارد؟

عوامل اجتماعی و فرهنگی تا چه حد تحول را زیر تاثیر می‌گیرند و این تاثیر چگونه رخ می‌دهد؟

موضوعات اساسی تحول در نظریات مختلف

در زیر به طور خلاصه به پاسخ نظریه‌های رشد به سوالات اساسی فوق اشاره می‌کنیم. در فصول بعدی که با هر نظریه به‌طور مفصل آشنا شدید می‌توانید به اینجا برگردید و با دلیل توضیح دهید که هر نظریه چه پاسخی به این سوالات دارد.

● نظریه نومیافتگی (maturationism):

- اهمیت وراثت
- رشد ناپیوسته (مراحل متکثر)
- زمینه‌های مختلف تحول، مولفه‌های یک نیمرخ هستند (تاکید بر رابطه مولفه‌ها نشده است)
- کودک تابع نمو درونی است
- تفاوت‌های فردی تابع خصوصیات کروموزوم‌هاست
- تفاوت بافتاری فقط در حد محتوای فرهنگ اهمیت دارد. این تاثیر اساسی نیست.

● نظریه رفتارگرایی (behaviorism):

- اهمیت محیط



- رشد پیوسته
- یادگیری از جنبه های مختلف آغاز می شود و همگرایی آن ها تابع موقعیت است
- کودک منفعل است، اما در نظریه اجتماعی شناختی بندورا، کودک محیط را فعال تر به کار می گیرد
- تفاوت در تجربه ها می تواند باعث تفاوت فردی شود، اما قوانین جهان شمول هستند
- نوع رفتار تقویت شده و الگوها به بافت بستگی دارد، اما مورد تاکید نیست زیرا اصول یادگیری جهان شمول هستند

● نظریه پردازش اطلاعات (information processing):

- تعامل محیط و وراثت (ساخت ها و فرآیندها مبنای درونی دارند اما تجربه در تحقق واقعی عملیات اهمیت دارد)
- تحول یک قلمرو مخصوص است اما مدل هایی برای ارتباط جنبه های هیجانی و اجتماعی ارائه شده است
- نقش فعال کودک در تعیین اطلاعات پردازش شده و قواعد و راهبردهای پردازش
- تفاوت های فردی ناچیز ناشی از راهبردهای پردازش متفاوت
- تاثیر ناچیز بافت در حد تفاوت های فرهنگی در راهبردهای اکتسابی

● نظریه های روانپویشی (psychodynamic):

- تعامل محیط و وراثت (تعامل تجهیزات زیست شناختی و انتظارات اجتماعی)
- رشد ناپیوسته
- شکست در پیشرفت مراحل بر همه قلمروهای شخصیت تاثیر می گذارد
- نقش فعال کودک در شکل دادن شخصیت و هویت در نظریه روانی اجتماعی اریکسون
- تفاوت فردی از ارضای متفاوت نیازها ناشی می شود، اما مراحل جهان شمول هستند
- مراحل جهان شمول هستند، اما بافت اجتماعی در نظریه اریکسون نقش اساسی دارد

● نظریه بافتاری / فرهنگی - اجتماعی (ecology / contextual):

- تعامل وراثت و محیط (تعامل ساخت های زیست شناختی و بافت اجتماعی)
- رشد پیوسته
- رابطه تنگاتنگ همه جنبه های تحول به دلیل تبعیت متقابل جنبه های فردی و محیطی
- رابطه متقابل کودک و محیط، نقش اساسی در تعیین استقرار نوع محیط، چگونگی تغییر آن و زیر تاثیر گرفتن رفتار توسط آن
- تفاوت فردی ناشی از نقش بندی منحصربه فرد رویدادها در بافت
- نقش اساسی فرهنگ و بافت اجتماعی در رفتار

● نظریه رفتارشناسی طبیعی / بافتاری بوم شناختی (ethology):

- تعامل وراثت و محیط



- رشد پیوسته همراه با دوره‌های حساس (هم پیوسته، هم ناپیوسته)
- رابطه جنبه‌های اجتماعی و روانشناختی با جنبه‌های زیستی برای دستیابی به سازش
- نقش فعال کودک (دارای تجهیزات زیستی برای تعامل با محیط)
- عدم تاکید بر تفاوت‌های فردی
- عدم تاکید بر تفاوت‌های فرهنگی، اصول جهان‌شمول در همه فرهنگ‌ها

● نظریه درون‌سازی پیازه (نظریه سازشی):

- تعامل وراثت و محیط (سرعت تحول توسط عوامل نمودیافتگی تعیین می‌شود)
- رشد از نظر ساختاری ناپیوسته و از نظر کنشی پیوسته است
- تحول همه جنبه‌ها تابع تحول شناختی است، تحول همگام یا موازی دو بعد بزرگ شناختی و عاطفی
- کودک در تعامل فعالانه با محیط، ساخت‌های شناختی را بنا می‌کند
- تفاوت‌های فردی بخصوص از زاویه جنس مذکر و مونث کانون توجه نیست، ولی نقش فرد اساسی است
- ساخت‌های شناختی جهان‌شمول هستند، اما سرعت تحول و سطح نهایی رشد به بافت اجتماعی بستگی دارد

:: دیدگاه عمر

برخی نظریه‌پردازان امروزی معتقدند تغییرات هم پیوسته هم ناپیوسته هستند، هم وراثت هم محیط تاثیرگذار هستند و رشد هم جنبه‌های همگانی و هم منحصر به فرد دارد. این دیدگاه‌های متعادل تا میزانی مدیون گسترش پژوهش از تمرکز بر دو دهه اول زندگی به رشد در طول بزرگسالی است.

پژوهشگران رشد را به صورت سیستمی پویا در نظر می‌گیرند، فرآیندی که پیوسته از لقاح تا مرگ جریان دارد و شبکه پیچیده تاثیرات زیستی، روانشناختی و اجتماعی آن را شکل می‌دهد. رویکرد اصلی سیستم‌های پویا، دیدگاه عمر است.

دیدگاه عمر چهار فرض اساسی دارد: رشد (۱) دایمی، (۲) چندبعدی و چندجهتی و (۳) بسیار انعطاف‌پذیر است و (۴) چندین نیروی تاثیرگذار با هم بر آن تاثیر دارند.

۱) رشد بصورت مادام‌العمر:

هیچ دوره سنی در رشد برتر نیست. در هر دوره تغییرات در سه زمینه جسمانی، شناختی و هیجانی/اجتماعی رخ می‌دهد.

۲) رشد به صورت چندبعدی و چندجهتی:

رشد چندبعدی است، یعنی آمیزه‌ای از نیروهای زیستی، روانی و اجتماعی است.

رشد از دو نظر چندجهتی است: (۱) رشد صرفاً به بهبود عملکرد منجر نمی‌شود، بلکه در هر دوره‌ای با افت و خیز نمایان می‌شود (در هر سنی شخص روی برخی مهارت‌ها مسلط می‌شود و برخی را کنار



می گذارد) ۲) تغییر علاوه بر این که در طول زمان چندبعدی است، در هر زمینه رشد، چندجهتی است (در هر سن برخی ویژگی ها افت و برخی بهبود می یابند)

در هر سنی رشد چندجهتی دیده می شود. بر اساس همین ویژگی می بینیم که حتی در سالخوردگی مهارت های تازه ای برای جبران کاهش سایر توانایی ها ایجاد می شود.

۳) رشد به شکل کاملاً شکل پذیر (انعطاف پذیر):

رشد در تمام سنین انعطاف پذیر است و قابلیت تغییر دارد. حتی عملکرد عقلانی در سنین بالا قابل انعطاف است و به آموزش پاسخ می دهد. **استعاره پروانه** برای اشاره به دگرگونی و تغییر مستمر در طول عمر استفاده می شود.

با وجود این، وقتی توانایی و فرصت تغییر کاهش یابد، شکل پذیری نیز کم تر می شود. انعطاف پذیری در بین افراد بسیار متفاوت است، برخی شرایط زندگی متنوع تری را تجربه می کنند و راحت تر با شرایط متغیر سازگار می شوند.

عوامل ارثی و محیطی بر انعطاف پذیری تاثیر دارند. چند عامل در انعطاف پذیری یا توانایی سازگار شدن موثر در صورت وجود مخاطراتی برای رشد، تاثیر دارند: ۱) عوامل شخصی مثل هوش، استعدادها، ارزشمند اجتماعی، خلق و خوی آسان و معاشرتی ۲) روابط صمیمانه با والدین ۳) حمایت اجتماعی خارج از خانواده نزدیک ۴) امکانات و فرصت های اجتماعی

۴) رشد تحت تاثیر عوامل متعدد:

رشد تحت تاثیر نیروهای زیستی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی است که می توانند در سه طبقه قرار گیرند:

○ تغییرات مربوط به سن:

تغییرات مربوط به سن، رویدادهایی هستند که قویاً با سن ارتباط دارند و می توان پیش بینی کرد که چه موقع رخ می دهند و چه مدت ادامه می یابند. این تغییرات تحت تاثیر عوامل زیستی و اجتماعی هستند.

تاثیرات مربوط به سن در کودکی و نوجوانی رایج هستند، چون تغییرات زیستی این سنین سریع است و فرهنگ تجربه های مرتبط با سن متعددی را تحمیل می کند.

○ تاثیرات مربوط به تاریخ:

تاثیرات مربوط به تاریخ، رویدادهایی است که منحصر به یک دوره تاریخی خاص است و باعث شباهت هایی در افراد همسن می شود.

افرادی که در یک دوره متولد می شوند و به دلیل دوره ای که در آن به دنیا آمده اند به هم شباهت هایی دارند، **همدوره** نامیده می شوند.

○ تاثیرات غیرهنجاری:

تاثیرات سنی و تاریخی هنجاری هستند چون برای اکثر افراد رخ می دهند، اما تاثیرات غیرهنجاری رویدادهای غیرعادی برای فرد هستند.

رویدادهای غیرهنجاری چندجهتی بودن رشد را افزایش می دهند چون قابل پیش بینی نبوده و مسیر زندگی فرد را تغییر می دهند.

در رشد بزرگسالان امروزی، تاثیرات غیرهنجاری قوی تر و تاثیرات مربوط به سن ضعیف تر شده است.



مفهوم مرحله در روانشناسی

چه چیزی را باید مرحله بنامیم و خصوصیات یک مرحله چیست؟ ملاک‌های اساسی مرحله عبارتند از:

۱) توالی ثابت:

توالی و ترتیب مراحل در همه جا و برای تمام افراد ثابت است (برای مثال مرحله ۲ همیشه باید بعد از مرحله ۱ بیاید)

- توالی مهم‌ترین شرط مرحله است.

۲) صفت توحیدی:

صفت توحیدی یعنی خصوصیات یک مرحله با مرحله قبل یکپارچه می‌شود و در یک چارچوب نو قرار می‌گیرد.

آنچه در یک مرحله می‌بینیم هم شامل امکانات تازه هم امکانات مرحله قبلی است، یعنی امکانات قبلی در امکانات جدید حل شده‌اند.

۳) ساخت مجموعه‌ای:

ساخت مجموعه‌ای یعنی مکانیزم‌های کم و بیش هم‌تراز در یک مجموعه قرار می‌گیرند (مثلاً ساخت کلی سواد شامل مکانیزم‌های جمع و تفریق و خواندن و نوشتن و غیره است).

- ساخت مجموعه‌ای نشانه رسیدن به تعادل در یک مرحله است.

۴) تراز تهیه و اتمام:

هر مرحله دو تراز دارد: تراز تهیه و تراز اتمام. فرآیندهای روانی در یک فاصله زمانی در حال پیش رفتن و ریشه دواندن است که این سطح فراهم‌سازی یا تراز تهیه است و سپس به تعادل می‌رسند که تراز اتمام است.

۵) پایه‌ریزی مرحله در مراحل قبل:

پایه‌های خصوصیات یک مرحله در مرحله قبل ریخته می‌شود. بنابراین در هر مرحله باید به فرآیندهای تشکیل‌دهنده مرحله بعدی توجه کرد و آن را از تعادل مرحله حاضر جدا دانست.

مفهوم مرحله در فیزیولوژی

نمو بدنی کودک پیوسته است و غیرممکن است که بتوان مراحل مجزایی را متمایز کرد. گرچه ممکن است چند استثنا وجود داشته باشد:

- دوران بلوغ: افزایش قابل ملاحظه سرعت نمو
- جهش نیمه راه نمو (۵/۵ تا ۶/۵ سالگی): بزرگ شدن سریع بدن
- نمو مغز: دوره‌های نمو سریع با تناوب دوره‌های استراحت و رکود. نمی‌توان در این زمینه اظهارنظر قاطع کرد اما می‌دانیم که در نمو جمجمه هیچ نوع ناپیوستگی وجود ندارد؛ بنابراین پیوسته در نظر گرفته می‌شود.



برخی معتقدند که رشد فیزیولوژیکی ناپیوسته است و شاهد آن ظهور ناگهانی استخوان مچ دست است. اما باید گفت غضروف آن طی سال‌ها به تدریج شکل می‌گیرد و تغییر ظاهری آن به خاطر کاربرد اشعه ایکس است که تصادفاً نسبت به ظهور اولین آثار کلسیم حساس است.

می‌توان برای نمو بدنی به شیوه‌ای مصنوعی مراحل تعیین کرد (مثل ظهور استخوان مچ دست) اما آن‌ها که به نمو بدنی توجه دارند ترجیح داده‌اند که به **سن فیزیولوژیک پیوسته**، که مشابه سن عقلی است، روی آورند. چهار روش برای اندازه‌گیری سن فیزیولوژیکی وجود دارد:

(۱) **سن اسکلتی:** بر اساس ظهور استخوان‌های دست و مچ دست

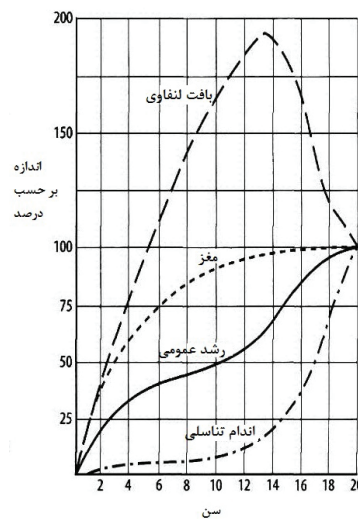
(۲) **سن دندانی:** تعداد دندان‌ها

(۳) **سن تنی:** رشد قد و وزن

(۴) **سن بر اساس صفات جنسی ثانوی:** نمو دوران بلوغ

رشد جسمی ناهمزمان

بافت‌ها و اجزای مختلف بدن به شکل همزمان رشد نمی‌کنند و آهنگ رشد آن‌ها متفاوت است که در نمودار زیر می‌بینیم.



رشد مغز:

بر اساس یافته‌های تانر، پس از تقریباً هفتمین ماه زندگی درون رحمی هیچ سلول عصبی جدیدی تشکیل نمی‌شود اما سلول‌ها و فیبرهای عصبی بزرگ می‌شوند و ظاهرشان تغییر می‌کند (این امر درباره سلول‌های عضلانی تمام بدن هم صدق می‌کند). در ۳ ماهگی زندگی درون رحمی سلول‌های قشر مخ شکل می‌گیرند. در ۶ ماهگی قشر بندی صورت گرفته و همان است که در بزرگسالی دیده می‌شود.

سر خیلی زودتر از بقیه بدن بزرگ می‌شود. ۹ ماه پس از تولد وزن مغز به ۵۰ درصد وزن بزرگسالی می‌رسد و در ۲ سالگی به ۷۵ درصد.



رشد غدد درون‌ریز:

رشد قابل ملاحظه غدد و ترشحات جدید هیپوفیز، غدد فوق کلیه و غدد جنسی در نوجوانی دیده می‌شود. کاهش یا افزایش چربی بدن در کودک هم می‌تواند انعکاس تغییرات غدد درون‌ریز در آن‌ها باشد.

ترشح تمام غدد درون‌ریز در زمان بلوغ تحت تاثیر هیپوفیز است. این تغییرات بین ۵ تا ۹ سالگی آشکار می‌شوند. فقط در برخی موارد نابهنجار این تغییرات زودتر دیده می‌شود.

هورمون‌های جنسی مذکر، فعالیت جنسی را به راه می‌اندازند. در بلوغ زودرس علیرغم وجود هورمون زیاد، فعالیت جنسی کم است چون دریافت‌کنندگان مغز آماده تحریک نیستند (یا هنوز به پختگی نرسیده‌اند یا از تابعیت سایر نواحی آزاد نشده‌اند).



سوال های کنکور کارشناسی ارشد



- ۱) در کدام نظریه، تحول به صورت پیوسته است؟ (سراسری ۹۲)
 - ۱) روان تحلیلی
 - ۲) شناختی تحولی پیاژه
 - ۳) پردازش اطلاعات
 - ۴) اجتماعی فرهنگی ویگوتسکی
- ۲) کدام عبارت در مورد نظریه های «مرحله ای» در رشد صادق است؟ (سراسری ۸۹)
 - ۱) الگوی رشد به فرهنگ وابسته است.
 - ۲) برنامه زیستی رشد قابل پیش بینی است.
 - ۳) الگوی رشد وابسته به محیط است.
 - ۴) برنامه زیستی رشد به هدف رشد وابسته است.
- ۳) اگر نظریه ای بر «رشد» یعنی برنامه سنی مشخص استوار باشد آن را نظریه می نامیم. (سراسری ۸۷)
 - ۱) پردازش اطلاعات
 - ۲) تکاملی
 - ۳) محیط گرا
 - ۴) مرحله ای
- ۴) کدام یک از دو نظریه زیر می تواند تبیین مرحله ای یا دوره ای از رشد را نشان دهد؟ (سراسری ۸۶)
 - ۱) اسکینر و پیاژه
 - ۲) اریکسون و پیاژه
 - ۳) پیاژه و بندورا
 - ۴) هال و اریکسون
- ۵) در کدام یک از رویکردهای تحولی اثرات متقابل مولفه های مختلف محیط بر چگونگی رشد کودکان به تفصیل بررسی می شود؟ (سراسری ۸۶)
 - ۱) بافت شناسی Contextualism
 - ۲) خبرپردازی information processing
 - ۳) رفتارگرایی Behaviorism
 - ۴) یادگیری شناختی Cognitive Learning
- ۶) کدام یک از نظریه ها، عوامل موقعیتی را در رشد کودک با اهمیت می دانند؟ (سراسری ۸۵)
 - ۱) صفات
 - ۲) شناختی
 - ۳) روانکاوی
 - ۴) شناختی اجتماعی
- ۷) در کدام نظریه، فرد در فرآیند رشد و تکامل فعال تر است؟ (سراسری ۸۵)
 - ۱) رفتاری
 - ۲) شناختی
 - ۳) زیستی
 - ۴) روانکاوی
- ۸) در کدام دسته از نظریه ها، تحول روانی بدون مرحله است؟ (سراسری ۸۴)
 - ۱) رفتارنگری
 - ۲) نمودارنگری
 - ۳) شناختی نگری
 - ۴) روان تحلیلی
- ۹) در کدام رویکرد، تحول به عنوان فرآیندی پیوسته (Continuous) تلقی می گردد؟ (سراسری ۸۴)
 - ۱) شناختی
 - ۲) خبرپردازی
 - ۳) کردارشناسی
 - ۴) روان تحلیلی
- ۱۰) کدام یک از نظریه های زیر به رشد فقط به صورت ناپیوسته تاکید دارد؟ (آزاد ۹۳)
 - ۱) روانکاوی
 - ۲) رفتارگرایی
 - ۳) پردازش اطلاعات
 - ۴) کردارشناسی
- ۱۱) کدام یک از نظریه های زیر به رشد به عنوان هم پیوسته و هم ناپیوسته تاکید دارند؟ (آزاد ۹۲)
 - ۱) روانکاوی
 - ۲) رفتارگرایی
 - ۳) پردازش اطلاعات
 - ۴) کردارشناسی

سوال های کنکور دکتری



۱۲) کدام عبارت درباره نقش کودک در تحول روانی صحیح نیست؟ (سراسری ۹۳)

- ۱) در نظریه عملیاتی پیاژه، تحول بر ساخت‌هایی استوار است که کودک از راه تعامل با محیط به صورت فعال آن‌ها را بنا می‌کند
- ۲) در نظریه روانی اجتماعی، کودک به صورت فعال در جستجوی هویت خویش است
- ۳) در نظریه سازشی پیاژه، کودک در تعامل جنبه‌های زیستی و محیط، منفعل است. همه چیز را تعادل‌جویی تبیین می‌کند.
- ۴) در نظریه‌های یادگیری کودک در تحلیل رفتار فعال نیست

۱۳) نقش کودک در تحول در دیدگاه رفتارشناسی طبیعی کدام است؟ (سراسری ۹۱)

- ۱) کودک در تعامل با محیط، ساخته‌های تحول خود را بنا می‌کند
- ۲) کودک به صورتی فعال به شخصیت خود شکل می‌دهد
- ۳) کودک از نظر زیست‌شناختی برای تعامل با محیط تجهیز شده است
- ۴) کودک یک نظام کنشی در حال گسترش است که تابع نمو درونی است

۱۴) در کدام یک از نظریه‌های زیر رشد ناپیوسته است؟ (آزاد ۹۴)

- ۱) پردازش اطلاعات
- ۲) پیاژه
- ۳) ویگوتسکی
- ۴) برون فن برنر

پاسخ تشریحی

(۱) گزینه ۳

نظریه پردازان رویکرد پردازش اطلاعات به رشد پیوسته اعتقاد دارند. از نظر آن‌ها راهبردهای شناختی در تمام سنین مشابه است و کودک و بزرگسال فقط در میزان مهارتشان در این راهبردها با هم متفاوت هستند، بنابراین تفاوت آن‌ها کمی است نه کیفی.

(۲) گزینه ۲

نظریه پردازان مرحله‌ای به مرحله‌ای با توالی ثابت اشاره می‌کنند که در همه جا یکسان و قابل پیش‌بینی است. ظهور این مراحل تحت تاثیر نیروهای درونی زیستی قرار دارد (گرچه در فصول بعد می‌خوانید که همه آن‌ها، صرفاً نیروهای زیستی را عامل ظهور مراحل نمی‌دانند)

(۳) گزینه ۴

به پاسخ سوال قبل مراجعه کنید

(۴) گزینه ۲

اریکسون و پیاژه برای تحول مرحله‌ای را ارایه کرده‌اند. در سایر گزینه‌ها به نظریه پردازان یادگیری اشاره شده که رشد را پیوسته می‌دانستند.

(۵) گزینه ۱

نظریه‌های بافتاری به نقش اساسی فرهنگ و بافت اجتماعی در تحول تاکید داشتند و معتقد بودند کودک با محیط تعامل می‌کند.

(۶) گزینه ۴

منظور از عوامل موقعیتی، عوامل محیطی هستند که در رشد کودک موثرند. در نظریه شناختی اجتماعی بندورا به این امر تاکید شده است.

(۷) گزینه ۲

نظریه‌های رفتاری، زیستی و روانکاوی همگی بر نقش منفعلانه کودک در تحول تاکید دارند. در این میان تنها رویکرد شناختی است که به نقش فعال کودک توجه کرده است.

(۸) گزینه ۱

نظریه پردازان یادگیری رشد را پیوسته و بدون مرحله در نظر می‌گیرند. نظریه‌های نمویافتگی، شناختی‌نگری پیاژه و روان‌تحلیلگری برای رشد مرحله‌ای را مطرح کرده‌اند.

(۹) گزینه ۲

رویکرد پردازش اطلاعات رشد را پیوسته در نظری می‌گیرد. کردارشناسی (رفتارشناسی طبیعی) رشد را هم پیوسته هم ناپیوسته در نظری می‌گیرد. روان‌تحلیلگری و نظریه شناختی‌نگری پیاژه رشد را ناپیوسته در نظر می‌گیرند.

(۱۰) گزینه ۱

روانکاوی رشد را ناپیوسته در نظری می‌گیرد. کردارشناسی رشد را هم پیوسته هم ناپیوسته در نظری می‌گیرد.

(۱۱) گزینه ۴

کردارشناسی رشد را هم پیوسته هم ناپیوسته در نظری می‌گیرد و دوره‌های حساس را مطرح می‌کند.

۱۲) گزینه ۳

پیاژه معتقد است در فرآیند رشد، کودک به شکل فعالانه با محیط تعامل و ساخت‌های شناختی را بنا می‌کند. اریکسون برای کودک نقشی فعال در تحول قائل است و برعکس، نظریه‌پردازان یادگیری کودک را منفعل در نظر گرفته‌اند.

۱۳) گزینه ۳

از نظر کردارشناسان یا رفتارگرایی طبیعی، کودک از نظر زیست‌شناختی برای تعامل با محیط تجهیز شده است و نقشی فعال در تحول دارد.

۱۴) گزینه ۲

پیاژه رشد را ناپیوسته می‌داند و مراحلی برای رشد شناختی ارائه کرده است.



فصل ۲

تاریخچه و بررسی رشد

در این فصل نگاهی اجمالی به روند تاریخی نظریه‌ها می‌اندازیم و در فصول بعدی به هر یک به شکل جداگانه می‌پردازیم.

● قرن ششم تا پانزدهم (قرون وسطی):

اهمیت کمی به کودکی به عنوان یک مرحله جدا داده می‌شد. معتقد بودند کودکان بزرگسالان مینیاتوری هستند که از پیش فرم گرفته‌اند. به این نظریه، نظریه فرم‌یافتگی پیشین یا پیش‌ساخت‌گرایی گفته می‌شود.

در این دوره، با کودکان مثل بزرگسالان رفتار می‌شد اما قوانینی برای مراقبت از کودکان کوچک‌تر و تاکید بر آسیب‌پذیری آن‌ها وجود داشت.

● قرن شانزدهم:

پروتستان‌یسم رایج بود، یعنی اعتقاد به گناه نخستین کودکان. بر این اساس بر شیوه‌های فرزندپروری خشن تاکید می‌شد.

● قرن هفدهم (عصر روشنگری):

دیدگاه جان لاک غالب بود. او بر آرمان‌های عزت و شرف انسان تاکید داشت. از نظر او انسان‌ها ذاتاً شرور نیستند بلکه محیط آن‌ها را شکل می‌دهد.

از نظر لاک والدین مربی‌های منطقی هستند که با آموزش می‌توانند هر طور که بخواهند کودک را تربیت کنند.

- لاک کودکان را «لوح سفید» می‌دانست که شخصیت آن‌ها توسط تجربه شکل می‌گیرد.

- نوشته‌های جان لاک پیش‌درآمد دیدگاه رفتارگرایی بود.

دیدگاه جان لاک درباره رشد به طور کلی به این موارد تاکید دارد: رشد پیوسته، تاکید بر تربیت، دوره‌های متعدد رشد به دلیل تجارب متفاوت، امکان تغییر در سنین بعد، کودک منفعل

● قرن هجدهم:

فلسفه روسو غالب بود. او کودکان را «وحشی‌های بزرگوار» می‌دانست که ذاتاً از احساس درست و غلط برخوردارند. از نظر او کودکان برای رشد برنامه فطری دارند.



• دو مفهوم مهم توسط روسو مطرح شد: مرحله و رشد

• روسو فلسفه کودک مدار را مطرح کرد

رشد: روند رشد که به شکل ژنتیکی تعیین و به شکل طبیعی آشکار می شود.

چهار مرحله رشد روسو: نوباوگی، کودکی، اواخر کودکی، نوجوانی

فلسفه کودک مدار: آموزش بزرگسالان به درک اخلاقی فطری کودکان و نحوه تفکر منحصر به فرد آنها لطمه می زند. پس باید فقط پذیرای نیازهای کودک باشند و اجازه دهند بر اساس نیروی درونی خود رشد کنند.

دیدگاه کلی روسو درباره رشد بر موارد زیر تاکید دارد: رشد ناپیوسته، تاکید بر طبیعت، یک روند یکسان رشد

● قرن نوزدهم:

اولین دیدگاه **عمر** توسط تتنس و کاروس معرفی شد.

تتنس به موارد زیر پرداخت: تفاوت های فردی، تغییر رفتار در بزرگسالی، تاثیر دوره تاریخی بر روند زندگی، امکان جبران در پیری

کاروس به موارد زیر پرداخت: چهار دوره رشد (کودکی، نوجوانی، بزرگسالی، پیری)، تاکید به پیشرفت ها در پیری

این دیدگاه ها بر چندجهتی بودن و شکل پذیری رشد تاکید دارند که محور دیدگاه عمر هستند.

● قرن بیستم:

داروین

نظریه تکامل داروین شامل دو اصل انتخاب طبیعی و بقای شایسته ترین است.

• داروین پیشگام مطالعه علمی کودک است.

هال و گزل:

• هال بنیان گذار جنبش مطالعه کودک است.

هال و گزل با الهام از داروین بر اساس **دیدگاه تکاملی** نظریه های کودکی را مطرح کردند. آنها رشد را به صورت **فرآیند رشد** در نظر گرفتند یعنی فرآیندی که به صورت ژنتیکی تعیین و به شکل خودکار شکوفا می شود.

از هال و گزل، کمتر به خاطر نظریه های یک طرفه (تاکید بر ژنتیک) و بیشتر به خاطر تلاش های آنها برای توصیف تمام جنبه های رشد یاد می شود.

آنها **رویکرد هنجاری** داشتند که از طریق پرسشنامه ویژگی های کودک بررسی می شود و با میانگین رشد عادی مقایسه می شود.

گزل جزو اولین کسانی بود که آگاهی والدین درباره رشد کودک را افزایش داد. روش فرزندپروری گزل هماهنگ با روسو و **کودک محور** بود، یعنی توجه به نیازهای طبیعی کودکان و حساسیت به نشانه های آنها.

هال به پژوهش درباره عمر با مطالعه روی پیری نیز پرداخت.



بینه:

بینه رویکرد هنجاری برای شناسایی کودکان عقب‌مانده داشت.

اولین آزمون هوش را ساخت (پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی، تأکید بر تفاوت‌های فردی، ایجاد مجادله طبیعت یا تربیت)

● اواسط قرن بیستم:**روان‌کاوی:**

روانکاوان معتقد هستند که مراحل رشد از تعارض سایق‌های زیستی و انتظارات اجتماعی شکل می‌گیرد.

فروید نظریه روانی-جنسی و اریکسون نظریه روانی-اجتماعی را مطرح کرد.

مهم‌ترین امتیاز روان‌کاوی تأکید آن بر زندگینامه منحصربه‌فرد هر شخص است. نظریه روانی-جنسی فروید اولین نظریه‌ای بود که اهمیت روابط خانوادگی و تجربه اولیه برای رشد کودک را برجسته کرد.

در روان‌کاوی از **روش بالینی** استفاده می‌شود، یعنی گردآوری اطلاعات از منابع مختلف برای آگاهی از عملکرد شخصیت یک فرد واحد.

رفتارگرایی:

تأکید بر شرطی‌سازی کلاسیک و اِتسنون و شرطی‌سازی کنشگر اسکینر است.

دیدگاه رفتارگرایان درباره رشد بر موارد زیر تأکید می‌کند: رشد پیوسته، اهمیت محیط، چند روند رشد بر حسب تجارب هر فرد

نظریه یادگیری اجتماعی بندورا:

یادگیری مشاهده‌ای یا سرمشق‌گیری را مطرح کرد.

با تأکید بر شناخت یا تفکر درباره خود و دیگران، نظریه را به **یادگیری-شناختی** تغییر داد.

مفهوم **کارایی شخصی** را ارایه داد. کودکان از دیدن کسانی که خود را تحسین یا سرزنش می‌کنند و از طریق پسخوراند اعمال خودشان معیارهای شخصی برای احساس کارایی شخصی پرورش می‌دهند.

کودکان الگوهایی را برای تقلید انتخاب می‌کنند که کارایی شخصی داشته باشند و از این طریق یادگیری و رفتار خود را **کنترل** می‌کنند.

ترکیب سرمشق‌گیری و شرطی‌سازی برای کاهش رفتار ناخوشایند و افزایش رفتار جامعه‌پسند **تحلیل رفتار کاربردی** نامیده می‌شود.

نظریه رشدی شناختی پیاژه:

از نظر پیاژه، کودک با **دستکاری فعالانه محیط** دانش را می‌سازد.

رشد شناختی طبق چند مرحله ایجاد می‌شود و **ناپیوسته** است.

مفهوم زیستی **انطباق** را مطرح کرد: رشد ساختارهای ذهن به شکلی که با دنیای بیرون متناسب باشد.

مفهوم **تعادل** را مطرح کرد: توازن بین ساختارهای درونی و اطلاعات محیط

روش ابداعی پیاژه، **روش بالینی** نام دارد که به شکل مصاحبه‌های بالینی بازپاسخ است.

از نظر پیاژه تغییرات مهمی پس از نوجوانی رخ نمی‌دهد. ولی نوپیاژه‌ای‌ها به تفکرات پس‌صوری بعنوان تغییرات مهم بزرگسالی اشاره کردند.



● دیدگاه‌های نظری جدید:

پردازش اطلاعات:

یک رویکرد شناختی درباره رشد تفکر و راهبردهای ذهنی است. مفهوم **نمودار گردشی** مربوط به این نظریات است، یعنی ترسیم گام‌های فرد برای حل مساله (درونداد یا اطلاعات < کدگذاری‌ها و سازماندهی‌ها < برون داد یا پاسخ رفتاری) هماهنگ با نظر پیاژه معتقد هستند که افراد **فعال** هستند و در پاسخ به درخواست محیط تفکر خود را تغییر می‌دهند؛ اما برخلاف پیاژه به مراحل رشد اعتقاد ندارند. به **رشد پیوسته** اعتقاد دارند. راهبردهای شناختی در تمام سنین مشابه است و تفاوت آن‌ها کمی است نه کیفی. یک الگوی مشخص برای تفکر در کودک و بزرگسال وجود دارد. مهم‌ترین امتیاز رویکرد پردازش اطلاعات روش‌های پژوهش دقیق است. نقطه ضعفش این است که به جنبه‌های غیرمنطقی مثل تخیل و خلاقیت توجه نمی‌شود. همچنین به عناصر مجزای شناخت می‌پردازد و یک نظریه کلی ارایه نمی‌کند.

علوم اعصاب شناختی درباره رشد:

با گسترش پردازش اطلاعات، زمینه تحقیقاتی جدید به نام علوم اعصاب شناختی مربوط به رشد پدیدار شد. در این رویکرد رابطه بین تغییرات در مغز و پردازش شناختی و الگوهای رفتار فرد در حال رشد بررسی می‌شود.

در طول ۵ سال اول مغز بسیار انعطاف‌پذیر و پذیرای رشد است، اما انعطاف‌پذیری مغز در طول عمر حفظ می‌شود. پژوهشگران این رویکرد به مشخص کردن تجربیاتی که به رشد مغز در سنین مختلف کمک می‌کند، مشخص کردن مبنای مغزی اختلالات و طراحی مداخله‌هایی جهت تاثیر بر رفتار و عملکرد مغز می‌پردازند.

کردارشناسی:

ارزش کردارشناسی به ارزش انطباقی یا بقای رفتار و تاریخ تکاملی آن مربوط می‌شود. لورنز و تین برگن به بررسی الگوهای رفتاری که به بقا کمک می‌کنند پرداختند، مثل نقش‌پذیری.

نقش‌پذیری: رفتارهای مشخص برای تضمین بقا که در محدوده مشخصی از رشد رخ می‌دهند (مثل دنبال کردن والد)

دوره بحرانی (critical period): محدوده‌ای که فرد از لحاظ زیستی آمادگی دارد تا رفتارهای انطباقی خاصی را فرا گیرد ولی به حمایت محیط تحریک‌کننده نیاز دارد.

دوره حساس (sensitive period): مناسب‌ترین زمان برای ظاهر شدن توانایی‌های خاص است و شخص در این دوره خیلی پذیرای محیط است.

اصطلاح دوره حساس بهتر از مفهوم دوره بحرانی در مورد رشد انسان کاربرد دارد. دوره حساس، محدوده مشخص مثل دوره بحرانی ندارد. رشد می‌تواند بعداً هم رخ دهد اما برانگیختن آن سخت‌تر است.

بالبی یک کردارشناس بود که **نظریه دلبستگی** را در مورد رابطه والد-کودک مطرح کرد.

اخیراً زمینه پژوهشی تازه‌ای به نام **روانشناسی رشد تکاملی**، ایجاد شده است که سعی دارد از ارزش سازگارانه توانایی‌های شناختی، هیجانی و اجتماعی هنگامی که با افزایش سن تغییر می‌کنند، آگاه شود.

روانشناسان تکاملی فقط به مبنای زیستی رشد نمی‌پردازند بلکه به اهمیت یادگیری نیز اشاره می‌کنند. یادگیری، انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری بیشتری به رفتار می‌دهد که منجر به رفتارهای تکامل‌یافته‌تر می‌شود (سیستم فرد-محیط)



اخیراً روانشناسان تکاملی پرداختن به عمر طولانی انسان را شروع کرده‌اند. مزایای انتخاب تکامل در نیمه اول زندگی بیشتر است و در سنین بالاتر عوامل اجتماعی فرهنگ اهمیت می‌یابند.

نظریه اجتماعی فرهنگی ویگوتسکی:

نظریه ویگوتسکی مکمل عالی برای نظریه کردارشناسی است، زیرا بستر اجتماعی و فرهنگی را برجسته می‌کند.

این رویکرد بر اهمیت تعامل اجتماعی در رشد مخصوصاً گفتگو با اعضای خبره جامعه تاکید می‌کند.

کودکان گفتگوهای اجتماعی را درونی می‌کنند و سپس برای هدایت اعمالشان از گفتار درونی استفاده می‌کنند.

ویگوتسکی مثل پیازه کودکان را فعال می‌داند اما برخلاف پیازه، به اهمیت آموزش بزرگسالان در رشد یا فرآیند میانجی اجتماعی تاکید داشت.

در نظریه ویگوتسکی، کودکان در معرض تغییرات مرحله‌ای قرار می‌گیرند. برای مثال با فراگیری زبان، توانایی شرکت آن‌ها در تعاملات اجتماعی به میزان زیادی افزایش می‌یابد. در عین حال، ویگوتسکی تاکید کرد که گفتگو با افراد ماهر، به تغییرات مداوم در شناخت منجر می‌شود که از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است (رشد پیوسته و ناپیوسته)

دو انتقاد به ویگوتسکی وارد شده است: (۱) تاکید ویگوتسکی بر عوامل فرهنگی باعث شد او جنبه زیستی رشد را نادیده بگیرد. اگرچه او به اهمیت وراثت و رشد مغز واقف بود، اما درباره نقش آن‌ها مطالبی ارائه نکرد. (۲) تاکید ویگوتسکی بر انتقال اجتماعی دانش باعث می‌شود که کمتر به توانایی کودکان در شکل دادن به رشد خودشان تاکید شود. طرفداران او نقش متعادل‌تری برای فرد و جامعه قایل شده‌اند.

:: بررسی رشد

در این بخش به طور خلاصه با انواع روش‌های تحقیق در روانشناسی رشد آشنا می‌شوید.

دو دیدگاه در روانشناسی علمی وجود دارد:

طبیعت‌نگری: تدوین قوانین رفتار بر اساس مشاهده و آزمایش:

انسان‌نگری: مطالعه رفتار به کمک کلیه روش‌هایی که به نتایج قابل توجهی منتهی می‌شود

دو نوع روش مطابق با دیدگاه‌های فوق وجود دارد:

• دیدگاه طبیعت‌نگری: روش تجربی

• دیدگاه انسان‌نگری: روش بالینی

روش‌های تجربی و روش‌های بالینی مکمل هم هستند و بین آن‌ها همگرایی هست، چون در هر دو روانشناسی علم مطالعه رفتار است. (رفتار: مجموعه پاسخ‌های معناداری که موجود زنده به کمک آنها وحدت و تعادل خود را حفظ می‌کند). روش‌های بالینی عمق بیشتری دارند اما در نهایت با پیوستن به روش تجربی عینیت می‌گیرند.



● روش بالینی:

بررسی بالینی سازش یافته ترین شکل مطالعه رفتار عینی انسان است. اساس آن **تک بررسی** های نظامدار و جامع است. برای مثال، روان تحلیلگری نوعی روش بالینی است. بین مشاهده ساده و مصاحبه از پیش تعیین شده قرار دارد. دامنه سوالات باز است و سوال بعدی برحسب پاسخ قبلی پرسیده می شود. در روش بالینی مشاهده مضاعف صورت می گیرد، یعنی واکنش های آزمودنی مشاهده می شود و آزمایشگر هم خودش را با وی سازش می دهد. روش بالینی با روانسنجی رابطه دارد؛ پژوهش بالینی نیازمند آزمون و تست است، کاربرد تست نیز مستلزم روش بالینی است.

● روش تجربی:

طیف روش های تجربی در دو سطح قرار دارند: سطح ایجاد: ایجاد شرایط دستیابی به داده ها - ثابت نگه داشتن شرایط و حذف مداخله عوامل دیگر سطح توسلی: متوسل شدن به جنبه های از پیش موجود - مدنظر قرار دادن عوامل مداخله گر یا خنثی کردن آنها

● بررسی های تحولی:

○ در سطح گردآوری داده ها:

- مشاهده طبیعی
- مشاهده ساختار
- مشاهده تعاملی شامل پرسشنامه/مصاحبه و روش بالینی
- بررسی فراتحلیلی: تحلیل نتایج پژوهش های قبلی مخصوصاً وقتی نتایج پایدار نبوده یا متناقض است

○ در سطح بررسی تغییرات تحولی:

- طرح طولی: بررسی یک گروه بارها در سنین مختلف
 - طرح مقطعی: بررسی گروه هایی با سنین مختلف در یک مقطع زمانی یکسان
 - طرح طولی زنجیره ای/مقایسه برهه های متوالی: دو یا چند گروه سنی که به مدت چند سال به شکل طولی دنبال شوند (ترکیب مقطعی و طولی)
- فواید طرح طولی عبارتند از: شناسایی تفاوت های فردی و الگوهای مشترک در رشد - رابطه رویدادهای اولیه و بعدی
- مشکلات طرح طولی عبارتند از: آثار تمرین و کارکشته شدن در آزمایش ها ناشی از بررسی های متعدد، آثار هم دوره یعنی تاثیر رویدادهای مربوط به دوره تاریخ مشترک در افراد همسن
- فواید طرح مقطعی عبارتند از: توصیف گرایش های سنی با فقط یک بار ارزیابی
- مشکلات طرح مقطعی عبارتند از: مقایسه ها به میانگین های گروه های سنی محدود است و نمی توان نشان داد که تفاوت فردی وجود دارد- اثر هم دوره



فواید طرح طولی زنجیره‌ای عبارتند از: بررسی اثر همدوره و مقایسه یافته‌های طولی و مقطعی

○ در سطح شکل‌گیری طرح بنیادی:

طرح مبتنی بر همبستگی :

گردآوری اطلاعات از گروه‌ها بدون دستکاری با هدف بررسی رابطه ویژگی‌ها. ضریب همبستگی، قدرت رابطه را نشان می‌دهد.

طرح تجربی (آزمایشی) :

دستکاری متغیر مستقل برای بررسی تغییرات متغیر وابسته با هدف بررسی رابطه علت و معلولی طرح‌های آزمایشی تغییر شکل یافته:

- آزمایش‌های میدانی: گمارش تصادفی افراد در شرایط طبیعی در فرصت‌های نادر

- آزمایش‌های طبیعی (شبه‌آزمایش): مقایسه شرایطی که از پیش وجود دارند. فرق آزمایش طبیعی با روش همبستگی این است که شرکت‌کنندگان به دقت انتخاب شده‌اند تا ویژگی‌های آن‌ها مشابه باشد.

طرح مبتنی بر تک‌بررسی / موردپژوهی:

جمع‌آوری اطلاعات کامل از زندگی‌نامه یک فرد از روش‌های مختلف

گزارش‌های شخصی :

شامل مصاحبه‌های بی‌ساخت مثل روش بالینی پیازه تا مصاحبه‌های ساخت‌دار مثل پرسشنامه

روش‌های بررسی فرهنگ:

زمانی که مساله مربوط به ویژگی‌های همگانی است که درجه آنها در جوامع متفاوت است، استفاده می‌شود. از روش‌های گزارش شخصی و مشاهده‌ای و مقایسه گروه‌های فرهنگی استفاده می‌کند.

برای درک فرهنگ‌های دیگر از قوم‌نگاری استفاده می‌شود. قوم‌نگاری مانند روش بالینی، توصیفی و کیفی است اما به جای یک فرد بر یک گروه تاکید دارد. روش اصلی قوم‌نگاری مشاهده است و در کنار آن گزارش‌های شخصی.



سوال های کنکور کارشناسی ارشد

(۱) نظریه های غیرمرحله ای رشد که عمدتاً رشد را فرآیندی پیوسته و تدریجی در نظر می گیرند، متأثر از فلسفه کدام فیلسوف است؟

- (۱) توماس هابز (۲) رنه دکارت (۳) جان لاک (۴) ژان ژاک روسو

(۳) استانی هال و آرنولد گزل در بررسی فرآیند تحول از کدام رویکرد استفاده کرده اند؟ (سراسری ۹۶)

- (۱) بالینی (۲) تطبیقی (۳) هنجاری (۴) سیستمی

(۴) نظریه استانی هال، عمدتاً مبتنی بر کدام رویکرد تحولی است؟ (سراسری ۹۵)

- (۱) رفتاری نگری (۲) تکامل نگری (۳) پدیدارشناسی (۴) شناختی

(۵) کدام یک از رویکردهای رشد به بررسی دریافت، درک و نحوه استدلال میپردازد؟ (سراسری ۸۶)

- (۱) یادگیری (۲) روانی اجتماعی (۳) روان تحلیلگری (۴) پردازش اطلاعات

(۶) وقتی با پردازش یا تحلیل نتایج تحقیقات دیگران به یافته هایی دست یابیم از چه روشی استفاده کرده ایم؟ (سراسری ۸۵)

- (۱) فراتحلیل (۲) تحلیل محتوا (۳) تحلیل روانی (۴) مشاهده طبیعی

(۷) در کدام یک از روش های تحقیق می توان به رابطه علی بین متغیرها دست یافت؟ (سراسری ۸۴)

- (۱) آزمایشی (۲) مشاهده (۳) مصاحبه (۴) بالینی

(۸) وقتی مجموعه ای از پژوهش هایی را که پیشتر انتشار یافته اند مورد پردازش قرار می دهیم از چه روشی استفاده کرده ایم؟ (سراسری ۸۴)

- (۱) روش تعاملی (۲) روش فراتحلیلی (۳) روش مشاهده طبیعی (۴) روش مشاهده ساختار

(۹) در کدام یک از طرح های پژوهشی پژوهشگر دو یا چند گروه را که در سال های متفاوتی متولد شده اند مطالعه می کند و هر گروه را به صورت طولی دنبال می کند؟ (آزاد ۹۳)

- (۱) آزمایشی (۲) طولی (۳) مقطعی (۴) طولی زنجیره ای

(۱۰) کدام یک از روش های پژوهش رشد قادر به جمع آوری اطلاعات عمیق از فرد است؟ (آزاد ۹۲)

- (۱) مشاهده طبیعی (۲) قوم نگاری (۳) مصاحبه بالینی (۴) پرسشنامه

سوال های کنکور دکتری

(۱۱) کدام مفهوم انعکاسی از نگرش مردم قرون وسطا در اروپا نسبت به کودکان است؟ (آزاد ۹۵)

- (۱) هم آمیزی تقابلی (۲) اپیزنتیک (۳) پیش ساخت گرایی (۴) پدیدایی نوعی

پاسخ تشریحی

(۱) گزینه ۳

نظریه‌های یادگیری رشد را پیوسته و بدون مرحله در نظر می‌گیرند. جان لاک پیشگام نظریه‌های یادگیری است.

(۲) گزینه ۳

گزل و هال رویکرد هنجاری داشتند که در آن از طریق پرسشنامه ویژگی‌های کودک بررسی و با میانگین رشد عادی مقایسه می‌شود.

(۳) گزینه ۲

هال و گزل با الهام از داروین بر اساس دیدگاه تکاملی نظریه‌های کودکی مطرح کردند که به رشد از طریق عوامل ژنتیکی تاکید داشت.

(۴) گزینه ۴

پردازش اطلاعات، یک رویکرد شناختی درباره رشد تفکر و راهبردهای ذهنی است. این رویکرد با استفاده از مفهوم نمودار گردشی به ترسیم گام‌های فرد برای حل مساله می‌پردازد.

(۵) گزینه ۱

بررسی فراتحلیلی شامل تحلیل نتایج پژوهش‌های قبلی است، مخصوصاً وقتی نتایج پایدار نبوده یا متناقض است.

(۶) گزینه ۱

طرح آزمایشی شامل دستکاری متغیر مستقل برای بررسی تغییرات متغیر وابسته با هدف بررسی رابطه علت و معلولی است.

(۷) گزینه ۲

بررسی فراتحلیلی شامل تحلیل نتایج پژوهش‌های قبلی است، مخصوصاً وقتی نتایج پایدار نبوده یا متناقض است.

(۸) گزینه ۴

در طرح طولی زنجیره‌ای دو یا چند گروه سنی به مدت چند سال به شکل طولی دنبال شوند (ترکیب مقطعی و طولی).

(۹) گزینه ۳

بررسی بالینی سازش‌یافته‌ترین شکل مطالعه رفتار عینی انسان است. در مصاحبه بالینی که نوعی تک‌بررسی با سوالات بازپاسخ است، می‌توان اطلاعات عمیق‌تری از یک فرد جمع‌آوری کرد.

(۱۰) گزینه ۳

در قرون وسطی، اعتقاد بر این بود که کودکان بزرگسالان مینیاتوری هستند که از پیش فرم گرفته اند. به این نظریه، نظریه فرم‌یافتگی پیشین یا پیش‌ساخت‌گرایی گفته می‌شود.